

## هیچ انقلابی آسایش و آزادی به بار نیاورده مگر انقلاب فکری

نوشته: نورالله گبای

بی سوادان قرن ۲۱ کسانی نیستند که نمی توانند  
بخوانند و بنویسند، بلکه کسانی هستند که نمی توانند  
آموخته های کهنه را دور بریزند و دوباره بیاموزند.  
ادوین تافلر

بعد از وقوع انقلاب ۱۳۵۷-۱۹۷۸ و به دنبال جنگ هشت ساله ایران و عراق، اکثریت جامعه یهود ایران نیز مانند گروهی از سایر ایرانیان دچار از هم گسیختگی گردیدند و برعکس دوران اجداد ما که امکانات تغییر مکان وجود نداشته. در اندک زمان کوتاهی هر خانواده ای در صدد یافتن لانه جدیدی در سراسر دنیا برآمد (به دلایل خاص نژادی، کاشی ها زودتر، شیرازی ها دیرتر!) گروهی به اتکاء اعتماد به نفس خود و جمعی به امید بهره مند شدن از بهترین آموخته های خود، یعنی همیاری جوانان خویش که قبل از انقلاب برای تحصیل به خارج از ایران رفته بودند، با بجای گذاردن خاطرات و دارائی های قابل توجه خود و دسترنج قرن ها زحمات اجداد خویش (بقولی بیش از 53 بیلیون دلار) با تحمل مشقات گوناگون، اکثراً به ممالک و شهرهائی رفتند که فرزندان یا دوستان ایشان قبلاً اقامت کرده بودند.

به تدریج گروه هائی در اروپا، اسرائیل، کانادا، لوس آنجلس و نیویورک و غیره مستقر و مانند محصلینی که اجباراً از دبیرستان یا دانشگاه به مدارس ابتدائی برگردانده شده باشند، در صدد ساختن زندگی جدیدی در محیط های متفاوت، شاید صدها سال از ایران جلوتر بودند، به تنهایی یا بهره برداری از معلومات و خلاقیت جوانان توأم با تجربیات والدین زندگی پر مشقت کاملاً متفاوتی را شروع کردند.

در این میان در اثر پراکندگی و تثبیت نبودن خانواده ها، اختیار زندگی بسیاری از فرزندان، از دست پدر و مادری که سامان نگرفته بودند به گونه ای خارج شده بود که با یکدنیا تاسف چند نفر از نوجوانان مفقود گردیدند و جوانان بی شماری که از طریق پاکستان و اطریش و غیره در صدد دریافت ویزا بودند.

گرفتار تبلیغات گروه های متعدد مذهبیون پیرو فرهنگ کاملاً متفاوت گتوهای اروپای شرقی گردیدند که با سکوت پدر مادران نگران از دست دادن هویت اجدادی خود، به احتمال آمیختن با محیط های مسموم میزبان روبرو گردیدند که ادامه دارد! اینان مانند کاسب هائی که مشتریان جدیدی یافته باشند به کاروان در حال حرکت و سرگردان ایرانیان رو آوردند.

**اقلیتی به قصد خدمت صادقانه، گروههائی به قصد بازاریابی و یارگیری به بازار آشفته آمدند که ابزار دست همه آنها هر کدام تبلیغ و ترویج روشن دینی خودشان بود و هیچکدام هم یکدیگر را قبول نداشتند! و ندارند.**  
**الحق بعضی از آنها مانند ربای Pehr با نظارت و هم گامی دائمی شادروان منوچهر قدسیان خدمات بی نظیری انجام دادند** که امیدوارم فرصتی دست دهد که برای ثبت در تاریخ جامعه، برشته تحریر درآید.

شادروان منوچهر قدسیان با ارتباط با سازمان های یهودی جهانی و بهره برداری از کمک های ارزشمند ایشان و با سفرهای متعدد به، کراچی، کویت، وین، نیویورک صادقانه به بیش از بیست هزار نفر مهاجرین، صمیمانه خدمت کرد بدون آن که اینان حتی نام ایشان را بدانند.

امروز با بررسی بی طرفانه، خدمات و صدماتی را که این مذهبیون به جامعه یهودی ایرانی روا داشتند و می دارند را می توانیم مورد قضاوت قرار دهیم و به بینیم آیا تبلیغات ایشان برای جامعه آسایش فراهم نمود یا فرسایش، آزادی یا اسارت، همبستگی یا دو دستگی و به بینم جوانان لایق ما که در گذشته آبی برای شنا ندیده بودند، به محض دیدن محیط مناسب به چه مقام ها و درجات علمی و اقتصادی و اجتماعی رسیدند. گروههائی که به دانشگاه ها رفتند به کجا رسیدند و گروه هائی را که به مکتب های مذهبی (یشیواها) بردند به کجا رسیده اند، در حالی که فلسفه مکتب های دینی، کسب دانش از گفته ها و نوشته های، پیشینیان است. هدف خرد گرایان، حفظ فرهنگ گذشته همراه با کسب علوم روز.

غافل از اینکه بازده محدود کردن کسب دانش به کتب مفسرین دینی موجب ضعف نظام آموزشی و بی توجهی به آموزش و فرهنگ روز، سلطه ترویج اعتقادهای ناخوانا با علم و فرهنگ روز را هموار کرده و می کند.

قضاوت با شما، آیا آنها که موفقیت را براساس تفاسیر کتب دو هزار ساله مفسرین، منوط به قضا و قدر و خواست خدا می دانند، نه از دید خردمندی، عقل و توانائی های فرد، کدام موفق بوده اند؟ آنها که به اتکاء علم و فهم خود و دانش روز، یا آنها که منتظرند که از آسمان ها کسی بیاید و خواسته های ایشان را برآورده کند؟ تا کی می توان به استناد نوشته های مفسرین ناآگاه عهد عتیق چشم به آسمان های واهی داشت تا کی؟

قصد نگارنده گریاندن قلم و خنداندن دشمنان نیست و گرنه نمونه های عقاید، افراطیون و مقایسه آنها با هدف های علمی خردگرایان فراوان است. به حکم زمان متحول شویم تا به جای پاک کردن اشک هایمان، موجبات اشک ریختن های مکرر را پاک کنیم. و گرنه با ادامه مسیر غلط، هرگز کسی به مقصد نرسیده و نخواهد رسید.

موفقیت مهاجرین تحصیل کرده ایرانی در جمع، آنقدر چشم گیر بود که نخست وزیر کانادا گفته بود کانادا برنده بود چون ده ها هزار جوان تحصیل کرده لایق، نصیب کانادا گردید.

**دوستان:** همانطور که یکی از موهبات الهی آن است که پدر مادران به وجود فرزندان خویش افتخار کنند و فرزندان متقابلاً به وجود پدر و مادران. چرا نباید پیروان ادیان همگی به اوامر دینی خود افتخار کنند و سایرین به پیروان آنها؟ چرا به جای بهره برداری از شهد لذت بخش فرامینی مانند ده فرمان تورات مقدس از زهر کشنده مهملات غیر عقلانی ناخوانا با فرهنگ و علم روز بهره برداری گردد تا خردگرایان را بیزار و واپس گرایان را گرفتار نماید، چرا؟ چون اکثریت بی تفاوت مانده اند، تا این تحفه ها بزودی سر سفره خودشان قرار گیرند؟

آری پدرمادران مفتخر هر کدام یک نفرند برای خود، ولی قادرند دنیائی باشند برای خانواده و جامعه خویش، همانگونه که گفته ها و نوشته های دینی می تواند موجب افتخار یا سر افکندگی و حتک آبروی کل دین گردد.

**راز پنهان است اندر زیر و بم**  
**تا نگردي آشنا زين پرده رازی نشوی**  
**فاش گر گویم جهان بر هم زَم**  
**گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش**

**شیفتگان متعصب ادیان توجه ندارند** بشر از جهالت مطلق دوران جاهلیت عصر حجر، به دلیل تمام شدن سنگ! خارج نشد به دنبال انقلاب فکری و تغییر و تعالی دانش، از جهالت آن دوران سیاه خارج و به عصر ترویج علم رهنمون گردید، امروز نیز چنین تحولی امکان پذیر نخواهد شد مگر با طرد گفته ها و نوشته های غیر عقلانی متناسب به همه ادیان. مشکل امروز دنیا مانند گذشته تضاد مرامها نیست، افراط گرایی دینی گروه هائی است که می خواهند دیندارتر باشند. دید ما از دین و دنیا انعکاس شخصیت و ارزش باورهای ماست واقع بین باشیم.

اوامر دینی روشن و عاقلانه ما محتاج تحمیق و تقلید و افراط نیستند همانگونه که طی هزاران سال در ایران نداشتیم. **چنانچه از ابتدا تکلیف کرده بودند** به جای ساعت ها تکرار مکررات یومیه، پیروان ادیان هر روز یافته های علمی زمان خود را مطالعه کنند.

امروز دنیا به صورتی به مراتب بهتر از امروز بود.

و امروز نیز چنانچه پیروان بالغ ادیان کتاب های دینی خود را آزادانه به زبان مادری، به دقت مطالعه کنند **دگرگون خواهند شد.**

چون بشر تغییر پذیر نمی تواند تغییر ناپذیر بماند. در حالی که برداشت ها و درک مطالب، همراه با زمان متغیریند. تعادل بشر، تنها از طریق پرواز آزاد، **اشتباه بیشتر، تجربه بیشتر** و با کسب تجربه بیشتر به **اشتباه کمتر** دست می یابد تا با تقسیم تجربیات موجب تکمیل معلومات گردد. نه تکرار مکررات، این کسب اطلاعات زمان است که معلومات می دهد، **معلومات عقل، عقل موفقیت.** چون جسم انسان در رحم مادر متولد می گردد، عقل انسان در مرور زمان، و آنجاست که مطالب را با استدلال می پذیرد، نه به استناد گفته ها و نوشته های واهی، فرق است میان اقتدار و اطاعت کورکورانه. بسیارند که از دین همانقدر می دانند که سود می برند و در تلمود گفته شده: کیست خردمند؟ کسی که از همگان بیاموزد. دلایل را به سنجیم بعد بپذیریم پنجاه درصد موفقیت هر جامعه ای پی بردن به نقاط ضعف خود و رفع کمبودهاست. دوستان: بدون توجه به این نوشته در خلوت خود مطالعه کنید، آیا اعمال به اصطلاح مذهبیون موجب باینیت شالم- آرامش خانواده ها و تسهیل موهبت ازدواج جوانان، یعنی این مهمترین مسئله روز جامعه گردیده یا ذلت دوگانگی و سرگشتگی؟ حتی سرگشتگی بعضی از ربانیم که یکی به طرف چپ افراطی می رود و تندروی می کند، غافل از این که به قول سعدی:

**بسی نام نیکوی پنجاه سال**  
**که یک کار زشتش کند پایمال**

دیگرانی که از طرف خردگرایان نگرانی ندارند به طرف راست افراطی، و هر دو طرف به اتفاق مردم، سرگردان و خوشه چینان سرگرم خوشه چینی، غافل از این که اعمال و وسعت فکر و معلومات پیروان ادیان است که دین را نمایندگی می کند و نتیجه نشانادن دین به جای عقل، **ناامنی امروز دنیاست.** آری بازده خدا را وسیله ای برای برآوردن امیال خود قرار دادن و برای کسب قدرت به خود نمایندگی خدا دادن، بوسیدن چنندش آور دست ملاست که حافظ می گوید:

**عنان به میکده خواهم تافت زین مجلس**  
**که پند بی عملان واجب است نشنیدن**  
**میوس جز لب معشوق و جام می حافظ**  
**که دست زهد فروشان خطاست بوسیدن**

آیا تحمل قرن ها مشقات تبعیض و دوگانگی به پیروان ادیان القاء نمی کند نقاط ضعف ارثی خود را هم گام با زمان برطرف کنند؟ آیا ملت یهود ظرفیت آزمون بیشتر را داراست؟

آیا دولت اسرائیل که در اولین قدم تاسیس مجدد خویش، برخلاف دستور صریح دینی خود با تصویب کنست- پارلمان که مذهبیون نیز در آن شرکت داشتند اعدام را ممنوع کرد، دهن کجی به قانون دین بود، یا هم گامی با تمدن روز؟

آیا علم و تمدنی که برای حمل و نقل از بهره برداری از اسب و الاغ و گاری به فتح کرات آسمانی و از خیر رسانی از طریق شاخ گاو و کبوتر و بوق و سیم و دود به دوران اینترنت EM رسیده و رو به پیشرفت دارد، در پشت دیوار تعصبات دینی متوقف خواهد شد؟ **یا همه بی خبران را زیر پا خواهد گذاشت.**

آری دنیا محتاج انقلاب فکری پیروان ادیان است و گوگل مطلع تر از هر عالم دینی جوابگوی سئوالات پیروان ادیان است و کارگذار چنین انقلابی نیز اینترنت است.

اینترنت انحصار قدرت را از دست موسسات مذهبی و سیاسی، آنها که عبادتگاهها، رادیو تلویزیون ها و مطبوعات را در انحصار داشتند خارج کرده و فارغ از سانسور و ترس، امروز جهان را لحظه ای در می نوردد، و بتدریج همه روزنامه ها و مجلات چند قرنی مانند مجله معتبر ریدرز دایجست نیوزویک، کیهان، نیز تسلیم وب سایت اینترنت می گردند. برای مثال می بینیم وب سایت گمنامی مانند **BABANOURI.com** بیش از تیراژ همه مجلات و روزنامه های جامعه خواننده دارد.

خوشبختانه علم برای بشر امروز وسایلی بوجود آورده که بتواند حرف خود را به گوش دنیا برساند، قدم بعدی اجرای بهتر گفته های عقلانی، و دوری از عقاید ناخوانا با شعور جوامع خواهد بود.

آری کمال هر چیزی به معنی بهتر انجام دادن آنست ما نیز قادریم با انجام بهتر اوامر عقلانی فنا ناپذیر تورات مقدس، بقای دین خود را تامین کنیم، هیچ کس قادر نیست به گذشته برگردد ولی همه قادرند از هم اکنون شروع کنند و هر باوری تا آنجا قابل قبول است که قاتق نان باشد نه قاتل جان، موجب اتحاد گردد، نه دوئیت، چنانچه ترویج دین بر پایه دسته بندی، در نتیجه، نفرت از یکدیگر قرار گیرد نبود آن به مراتب بهتر از بودن است، نفس دین مقصر نیست منتهی:

به قدر خویش گیرد هر کس از فیض ازل بهره

گر ظرف تو کم گیرد گناهی نیست دریا را

مارتین بوبر می گوید: جوامع باید در راه عظمت مبارزه برای عمل، اندیشه را دامن بزنند تا بزرگی تفکر را تجربه کنند. هم گامی با زمان در حقیقت در مسیر تکامل قرار گرفتن است و گرنه مروجین موهومات عملاً دشمنان را مسلح و دوستان را خلع ید می کنند و آن را دینداری می پندارند و در حالی که در جایی که ارزش عقلانی اوامر تورات مقدس، در میان نباشد هرگونه تقلید و ظاهر سازی بی ارزش است.

بزرگترین تفاوت بین خردگرا و واپس گرا آن است که خردگرا تغییر پذیری و هم گامی با تمدن روز را افتخار می داند، واپس گرا تغییر ناپذیری را که نمونه بارز آن این است که واپس گرا بچه ها را برای در جا زدن به مکتب های مذهبی می سپارد، خردگرا به دانشگاه های روز.

دوستان: روزی همه ما برای قلبی از آیندگان تنها خاطره ای خواهیم بود، به استناد باورهای عقلانی خویش تلاش کنیم لافاقل خاطره ای عقلانی و منطقی از خود به جا گذاریم که نگویند.

**دیروز چنان بدی که کس چون تو نبود امروز چنان شدی که کس چون تو مباد**

پیری خود را در آئینه نگاه می کند و آه می کشد و می گوید: آئینه هم آئینه های قدیم. آری دیندار هم دینداران قدیم، هر روز بیش از پیش معتقد می شوم اجداد ما در حد امکانات زمان خود بهترین دینداران بودند، بدون آن که مانند امروز، کسی در زندگی آنها فضولی کرده باشد، جامعه موفق آنست که با بررسی اوضاع روز وضع آینده را پیش بینی و نسل آینده را مطلع کند تا قبل از وقوع حتمی سیل (تبلیغات مسموم) بتوانند سیل بند بسازند.

بالاخره پدر بزرگی به نوه خود می گوید: فرزندم در درون هر انسانی بین دو جاندار جنگ دائمی برپاست، یکی از جانداران، عاقل، آرام، خوشحال، فروتن، امیدوار و راستگوست، دیگری عصبانی، دروغگو، متظاهر و فریبکار است، نوه گفت بابا بزرگ، بابا بزرگ کدامشون موفقند؟ پدر بزرگ گفت: اونی که تو به او غذا می دهی، اونی که تو به او اجازه دخالت در زندگی ات را می دهی.

**ما سال خوردگان سفر کرده در رهگذر زمان کمتر از برگیم**

داستان غم انگیز تنها آن نیست که فرزندان را به اصطلاح مذهبی می کنند، عملاً در مقابل پدر مادر قرار داده. از خانواده خود جدا می کنند، بدون آن که توجه داشته باشند. با هم بودن ایشان چقدر ارزشمند و محدود است. چنانچه حسن نیتی در میان باشد، به دور از هر روش خاصی می توان مراد و محبت افراد خانواده را نامحدود و هر کدام را به خود متکی کرد نه به دعا و ثنا، چون اطمینان به خود دو سوم موفقیت است.

دوستان: آمادگی ذهنی، و زمینه جذب تعصبات را فراهم نکنیم و با الگوی خردگرائی فرصت ندهیم ذهن فرزندان ما را با مهملاتی به نام دین آلوده کنند، دین ما شایسته مهملات نیست. فرزندان خود را پرندگی بیاموزیم آنگونه که می خواهیم و گرنه پروازشان خواهند داد آنگونه که بخواهند، و هیچ فرزندی هم مستثنی نیست. آنجا که پای تعصب به میان آید عقل می گریزد.

از کجا آمده ایم کافی نیست به کجا می رویم حیاتی است. بیدار باشیم تا آسوده بخوابیم در حالی که:

این همه جنگ و جدل حاصل کوزه نظری است      گر نظر پاک کنی کعبه و بت خانه یکی است

هر کسی قصه شوقش به زبانی خواند      چون نکو مینگرم حاصل افسانه یکی است

برای دریافت کپی این مقاله و سایر مقالات و کتاب نورالله گبای به وب سایت [BABANOURI.com](http://BABANOURI.com) مراجعه فرمائید.